

جنگ افزارهای مدرن و منازعات منطقه‌ای: پیامدهای استراتژیک موشک بالستیک برای خاورمیانه

جهانگیر کرمی

چکیده: تأثیر فن آوری بر عرصه‌های مختلف حیات بشری و جامعه بین‌المللی و نیز مسایل نظامی - استراتژیک امر آشکاری است. از نظر نظامی، هم فعالیت‌ها و نقش نیروهای نظامی از این جهت متحول شده و هم این که با وعیم‌تر شدن پیامدهای جنگ، روابط کشورها به سمت نوعی همکاری سوق یافته است. این مقاله بر آن است تا با توجه به تجربیاتی که در مورد تأمین و به کارگیری موشک‌های بالستیک در منطقه خاورمیانه وجود دارد، به مطالعه و بررسی تأثیر جنگ‌افزارهای مرسوم بر منازعات منطقه‌ای بپردازد. از این دیدگاه، جنگ افزارهای مذکور به خاطر تأثیری که بر مساله عمق استراتژیک، تاملات منطقه‌ای و نیز نحوه دخالت خارجی دارند، بالطبع برای تداوم یا خاتمه منازعات موضوع با اهمیتی تلقی می‌شوند. بخش‌های اصلی این مقاله عبارتند از: ویژگی‌های موشک بالستیک، نگاهی به صحنه منازعات خاورمیانه، دستیابی به موشک بالستیک در خاورمیانه، به کارگیری موشک‌های بالستیک، و بالاخره پیامدهای آن برای منطقه.

مقدمه

فن آوری نظامی از عوامل عمده تأثیرگذار بر روابط بین‌الملل و بالطبع استراتژی نظامی کشورهاست، به گونه‌ای که امروزه گاه از آن به عنوان «رهبر استراتژی» یاد می‌شود.^(۱) اهمیت این موضوع تا آنجاست که جنگ افزارهای مدرن حاصل از تحول، ابتکار، و پیشرفت در آن فن آوری‌ها شدت، گستره، و بافت منازعات را دگرگون کرده‌اند.

از جمله جنگ افزارهایی که به ویژه در دهه اخیر، ورود آنها به زرادخانه‌های نظامی،

استراتژی‌های نظامی و بالطبع منازعات را متأثر ساخته، موشک‌های بالستیک هستند. این، تسلیحات که با تعبیراتی چون «سلاح وحشت»، (the weapon of terror) «نیروی هوایی فترا» (the poor man's air power)، و یا «سیاست بالستیک» (Ballistic policy) از آنها یاد می‌شود، بیش از پیش مورد توجه کشورهای جهان سوم واقع شده‌اند، به طوری که امروزه بیش از بیست کشور در باشگاه دارندگان موشک بالستیک قرار دارند و دیگران نیز در صدد ورود به این مجموعه هستند.

تا دهه ۱۹۸۰ میلادی، جلوگیری از تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، عمده‌ترین موضوع در دستور کار قدرت‌های بزرگ در زمینه کنترل تسلیحات بود. اما از اواسط دهه، توجهات بین‌المللی به دستیابی کشورهای جهان سوم به سیستم‌های پرتاب جنگ‌افزارهای انهدام جمعی جلب شد و نگرانی‌هایی در مورد سرایت و گسترش سیستم‌ها و فن‌آوری‌های موشک بالستیک به مناطق متشنج و بحران‌خیزی چون خاورمیانه ایجاد گردید. تصور بر این است که وجود موشک‌های بالستیک در جهان سوم، می‌تواند قابلیت مبادرت به حملات هسته‌ای و شیمیایی علیه رقبای سنتی و یا دفاع در مقابل نیروهای مداخله‌گر غربی را برای این کشورها فراهم کند؛ به طوری که در گزارش کنگره آمریکا در سال ۱۹۹۰ آمده است که «نیروهای مسلح آمریکا و متحدان این کشور در آینده با نیروهای نظامی متخاصمی رو به رو خواهند شد که به طور فزاینده به موشک‌های بالستیک مسلح هستند»^(۲)

بدین لحاظ، غرب بر اعمال فشار علیه کشورهای تولید کننده سلاح در جهان سوم، به منظور محدود ساختن فروش چنین سلاح‌هایی تکیه دارد، و با توجه به این موضوع است که «رژیم کنترل فن‌آوری‌های موشکی» (Missiles Technology Control Regime (MTCR)) منعقد شده در سال ۱۹۸۷، صادرات موشک و یا قطعات آن را توسط کشورهای شرکت کننده در پروژه‌های موشکی منع می‌کند. این کشورها در گذشته صرفاً کشورهای غربی بودند، اما در حال حاضر علاوه بر روسیه، دولت چین نیز موافقت کرده تا محدودیت‌های مشابهی را بپذیرد.

همان‌گونه که مشاهده شد، موشک‌های بالستیک به موضوعی استراتژیک برای جامعه بین‌المللی مبدل شده‌اند، و منطقه خاورمیانه با توجه به تجربه‌ای که در خرید، تولید و به کارگیری این موشک‌ها وجود دارد، از اهمیت خاصی برخوردار است. به گونه‌ای که از دهه ۱۹۷۰ به بعد، از نه موردی که موشک بالستیک در جنگ‌ها به کار گرفته شده، هفت مورد در خاورمیانه بوده است.^(۳) و در جنگ دوم خلیج فارس در سال ۹۱-۱۹۹۰، موشک‌های بالستیک

چشمگیرترین جنگ افزارها بودند.

پرسی که در اینجا مطرح است، این است که با توجه به موفقیت کشورهای خاورمیانه در دستیابی به موشک‌های فوق‌الذکر، و اراده‌ای که در به کارگیری آن وجود داشته و دارد، این جنگ افزارها چه تغییراتی در عرصه منازعات منطقه‌ای ایجاد کرده و یا خواهند کرد؟

فرض نگارنده این است که جنگ افزارهای جدید با کاستن از اهمیت ژرفای استراتژیک و ایجاد آسیب پذیری جدی برای کشورها، افزایش تعاملات میان منطقه‌ای و امکان گسترش برخوردها، و سرانجام پرهزینه کردن دخالت قدرت‌های بزرگ، باعث ایجاد اراده‌ای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای صلح و خاتمه منازعات خواهند شد. این مطلب، به ویژه می‌تواند در مورد تهدید موشک‌های بالستیک در خاورمیانه - که امکان انتقال کلاهک‌های نابودی جمعی را فراهم می‌کنند - و روند صلح منطقه‌ای طی سال‌های اخیر جالب توجه باشد.

ویژگی‌های موشک بالستیک

بالستیک از واژه بالین (ballein) یونانی به معنای پرتاب کردن گرفته شده است. این واژه در آثار استراتژیک معاصر معمولاً در پیوند با موشک به کار می‌رود - مانند موشک بالستیک میان قاره‌ای (ICBM) و یا موشک بالستیک قابل پرتاب از زیردریایی (SLBM). در تعریف موشک بالستیک گفته می‌شود که «موشکی است که یک منحنی بالستیکی را تا زمانی که سوخت آن پایان می‌یابد طی می‌کند و ممکن است بخشی از این خط سیر در خارج از جو زمین باشد».^(۴) موشک بالستیک همچون یک گلوله توپ و یا خمپاره به وسیله یک انفجار و با یک سازوکار از پیش تنظیم شده پرتاب می‌شود، و سپس برای ادامه خط سیر خود به طور آزاد عمل و با سقوط آزاد و بدون کنترل به سمت هدف سرازیر می‌شود. این موشک خیلی سریع و در مدت زمان نسبتاً کوتاهی سوخت خود را از دست می‌دهد و این، سرعت کافی را برای ادامه مسیر در اختیار آن می‌گذارد.

در واقع، بیشتر موشک‌های بالستیک به سرعت از جو زمین عبور می‌کنند و شتاب جاذبه را برای ورود مجدد انباشت می‌سازند. موشک‌های بالستیک، خودکار و دارای سکوی پرتاب هدایت شونده‌اند. زمان پرواز - که ممکن است بخشی یا تمام آن در خارج از جو زمین باشد - از چند دقیقه برای سیستم‌های تاکتیکی کوتاه برد تا حدود سی دقیقه برای موشک‌های میان قاره‌ای در نوسان است.^(۵) پیش از پرتاب، مختصات هدف و نقطه پرتاب وارد صفحه رایانه‌ای موشک

می‌شود، و سیستم هدایت و کنترل با استفاده از اطلاعات لازم، جهت یابی و موشک را هدایت می‌کند، به طوری که ضربه نهایی کلاهک دارای بردار سرعت مناسب برای رسیدن به هدف می‌شود.^(۶) یک موشک بالستیک می‌تواند مسافتی به طول یک هزار کیلومتر در زمانی حدود ۱۰ دقیقه طی کند.^(۷)

موشک‌های بالستیک ویژگی‌های منحصر به فردی دارند که آنها را برای مأموریت‌های خاصی جذاب می‌سازد. مقابله با این موشک‌ها به وسیله توانایی‌های ضد موشکی به دلیل سرعت زیاد، به سادگی امکان پذیر نیست. این سلاح‌ها به لحاظ عدم نیاز به آموزش سطح بالا، پایین بودن هزینه‌های نظامی، آسیب ناپذیری برای سازوکارهای دفاعی و اثر روانی بر مردم شهرها، جنگ افزارهای مهمی محسوب می‌شوند. شهرام چوبین در این مورد می‌نویسد:

این موشک‌ها ضربات روانی تکان دهنده‌ای بر مردم وارد می‌کنند. مشکل است که با ضد موشک‌های پاتریوت جلو آنها را گرفت، و به خاطر تحرکشان، قابل انهدام نیستند. این موشک‌ها چنانچه دقیق‌تر و سنگین‌تر باشند، تأثیر فوق‌العاده‌ای خواهند داشت و از قابلیت نفوذ مطمئن‌تری برخوردار می‌شوند.^(۸)

علاوه بر هزینه پایین و دقت بالا، برای کشورهایی که توانایی شان در مورد دستیابی، نگهداری و استفاده از نیروی هوایی محدود است، بسیار به صرفه هستند. از نظر چوبین، «اهمیت یک نیروی موشکی برای تأثیر روانی، پرستیژ و جایگاه فرضی آن همراه با توانایی‌اش برای نفوذ و ضربات بازدارنده احتمالی ممکن است جذابیت آن را افزایش دهد.»^(۹) این موشک‌ها، به ویژه اگر با کلاهک‌های غیر متعارف هسته‌ای، شیمیایی و یا بیولوژیک مسلح شوند، بسیار مؤثر خواهند بود.

برای کشورهایی که از نیروهای متعارف قدرتمندی برخوردار نیستند، موشک‌های بالستیک نقش مهمی برای ثبات ظاهری وضع استراتژیک موجود ارایه می‌کنند. همچنین، برای آن گروه از دولت‌ها که فاقد منابع فن‌آورانه لازم هستند، یک برنامه موشکی می‌تواند نمادی حیاتی برای رقابت تکنولوژیک باشد. از آنجا که نقش این سلاح‌ها به طور عمده‌ای نمادین است، به طور آسان‌تری شناسایی و برخی اوقات حتی تبلیغ می‌شوند؛ در روزهای رژه به نمایش گذاشته می‌شوند، و رؤسای جمهور در پرتاب‌های تاریخی حضور می‌یابند. آن گونه که گفته شده، برای بسیاری از دولت‌ها، دارا بودن موشک‌های مذکور فی‌نفسه یک هدف محسوب می‌شود، که با «اصطبل‌های سلطنتی، کاخ‌های فرمانروایی، و گاردهای تشریفاتی گذشته قابل

مقایسه است».^(۱۰) این موضوع یعنی نمادین بودن موشک‌ها برای قدرت دولت و حتی مشروعیت حکومت، سودمندی تاکتیکی آنها را زیر سؤال برده است. به طوری که گفته می‌شود اهمیت انگیزه‌های داخلی، برنامه‌های موشک بالستیک را در وضعیتی قرار می‌دهد که نمی‌تواند در یک محیط صرفاً استراتژیک آن را داشته باشد؛ آنها به بخشی از ساختار رژیم و سلاح‌هایی فاقد مفهوم عملی، یعنی معیار و ملاکی برای ارزش‌های ملی و بیانگر بلند پروازی‌های دولت مبدل شده‌اند. سربراهانیا، تحلیل‌گر مسایل استراتژیک هند پس از اولین پرتاب موشک آگنی در هندوستان، اظهار داشت که «نقش این موشک به عنوان یک جنگ افزار، از کمترین نقش‌های آن است؛ این موشک اعتماد به نفس را افزایش می‌دهد و در واقع نماد اثبات خوداتکایی برای هند، نه تنها در عرصه دفاع و رزم، بلکه در عرصه بین‌المللی است».^(۱۱)

به هر حال، موشک‌های بالستیک هم دارای جنبه‌های عملی و هم نمادین هستند، و نمی‌توان بیش از اندازه بر جنبه‌های نمادین آن تأکید داشت. واقعیت آن است که ویژگی‌هایی چون نفوذ آسان به فضای دشمن، خصلت بازدارندگی، کم اهمیت کردن فاصله‌ها و عمق استراتژیک سرزمین‌ها، قدرت مجازات بدون نیاز به درگیر شدن در یک جنگ تمام عیار، و بالاخره از همه مهم‌تر، مکمل بودن برای سلاح‌های انهدام جمعی، آنها را به سلاحی مورد توجه کشورها مبدل کرده است و کشورهای منطقه خاورمیانه نیز با علاقه‌ای زایدالوصف به سمت دستیابی به آن حرکت کرده‌اند.

نگاهی به صحنه منازعات در خاورمیانه

منطقه خاورمیانه محیطی است که منازعات مرزی و سرزمینی، مشکلات و مسایل قومی و اختلاف بر سر منابع (نفت و آب) از ویژگی‌های اصلی آن محسوب می‌شود. به طور کلی، صحنه سیاسی - نظامی خاورمیانه، که نتیجه رقابت‌ها و تنش‌های تاریخی و نیز برخی اختلاف‌های جدیدتر می‌باشد، شامل محیط پیچیده‌ای است که علاوه بر کشورهای منطقه، برخی از کشورهای حاشیه منطقه و نیز قدرت‌های بزرگ جهانی نیز در آن درگیر هستند. در واقع، از نظر استراتژیک می‌توان این منطقه را دو مجموعه و یا مجتمع امنیتی تلقی کرد که هر یک از قواعد خاصی پیروی می‌کنند. و در عین حال این دو مجموعه روز به روز به یکدیگر نزدیک‌تر می‌شوند: یعنی مجموعه خلیج فارس و مجموعه اعراب و اسرائیل. باری بوزان مجتمع امنیتی (security complex) را این گونه تعریف می‌کند: «گروهی از دولت‌ها که نگرانی‌های امنیتی اولیه آنها با یکدیگر و به گونه‌ای مناسب مرتبط است، و امنیت ملی آنها در عالم واقع نمی‌تواند جدا از

یکدیگر مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.» این نویسنده برای تشخیص و تحلیل مجتمع‌های امنیتی موارد زیر را قابل طرح و مطالعه می‌داند:

آثار جغرافیا بر روابط بین دولت‌ها؛ روابط قدرت میان دولت‌ها؛ وابستگی متقابل رقابت‌ها و منافع دول منطقه؛ الگوهای دوستی و دشمنی کمابیش پایدار، شامل روابط کمتر مداوم دوستی، حمایت، بدگمانی و ترس. (۱۲)

تا قبل از دهه ۱۹۹۰، منازعات خاورمیانه از نظر جغرافیایی تقریباً وضعیت ثابتی داشتند، چراکه عمدتاً در طول خطوط مرزی به وقوع می‌پیوستند و احساس تهدید نیز بیشتر از ناحیه کشورهای همجوار بود. شاید، نابودی تأسیسات هسته‌ای عراق در ژوئن ۱۹۸۱ (خرداد ۱۳۶۰)، تقریباً از معدود مواردی باشد که تهدید و درگیری نظامی فراتر از مرزها رفته است. این موضوع عمدتاً ناشی از روابط قدرت میان دولت‌ها است، چراکه قابلیت تهدید هر کشور برای دیگری، با توجه به فقدان جنگ افزارهای مدرن و استراتژیک، دارای محدودیت‌های خاصی بوده است.

در مورد وابستگی متقابل رقابت‌ها و منافع دولت‌ها، می‌توان آن را نتیجه جبری همسایگی و واقع شدن در یک مجموعه امنیتی به حساب آورد. در حقیقت، در عصر گذشته ناپذیری مرزها - یا رسمیت یافتن بین‌المللی مرزها - دولت‌ها مجبور شده‌اند که به جای اندیشه در مورد نابودی یکدیگر، به واقعیت همزیستی و زندگی سیاسی و اجتماعی در منطقه خود توجه کنند. مورد عراق، تقریباً تجربه مهمی در این زمینه است و از این رو، در مجموعه‌های امنیتی، بایستی نه به دوستی جاودان یا دشمنی مداوم، بلکه به ترکیبی از هر دو اندیشید.

به طور کلی، می‌توان منازعات خاورمیانه را پس از جنگ جهانی دوم، مرکب از پنج مسأله جداگانه ولی مرتبط با هم، یا یک موضوع با پنج بُعد دانست: (۱) بعد داخلی و مربوط به نقاط ضعف داخلی کشورهای منطقه؛ (۲) بعد منطقه‌ای که ناظر به مسایل موجود در روابط کشورهای منطقه جدا از منازعه اعراب و اسرائیل است؛ (۳) منازعه اعراب و اسرائیل؛ (۴) درگیری قدرت‌های بزرگ در مسایل منطقه؛ و بالاخره (۵) رقابت‌ها و جنگ ایران و عراق و عراق و کویت. (۱۳) در واقع، می‌توان منازعات عمده را حول محور اسرائیل و عراق تقسیم‌بندی کرد. در محور اسرائیل که محصول تشکیل دولت غاصب اسرائیل است، تاکنون شاهد چند جنگ عمده (در سال‌های ۹-۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۳، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳) بوده‌ایم. همچنین می‌توان حملات اسرائیل در سال ۱۹۸۲ و ۱۹۹۶ به جنوب لبنان را به این فهرست افزود. در محور عراق، ادعاها،

تهدیدات و لشکرکشی‌های این کشور در سال‌های ۱۹۶۱، ۱۹۶۹، ۱۹۷۳، ۱۹۷۷ و تهاجم سراسری سال ۱۹۹۰ علیه کویت،^(۱۴) و ادعاها و دشمنی‌های علیه ایران در سال‌های دهه ۱۹۶۰، ۱۹۷۰ و بالاخره جنگ دهه ۱۹۸۰، مهمترین موارد منازعه بوده‌اند.

مهم‌ترین ویژگی‌ها و خصوصیت‌های صحنه منازعات منطقه خاورمیانه تا قبل از دهه ۱۹۹۰ این بود که منازعات محور عراق (یا منطقه خلیج فارس) با منازعات محور اسرائیل (یعنی منازعه عرب-اسرائیل) ارتباط چندانی با هم نداشتند. ویژگی‌های جغرافیایی دو محور و نیز روابط قدرت میان کشورهای درگیر در دو جبهه، به خاطر سطح محدود پیشرفت فن‌آوری نظامی و سلاح‌ها و جنگ افزارهای موجود در زرادخانه‌های کشورهای منطقه از مهمترین عوامل مؤثر بر این جدایی و انشقاق بود.

از طرف دیگر، تأثیر ابرقدرت‌ها و رقابت‌های جهان دو قطبی در دوره جنگ سرد و ضرورت حفظ نوعی موازنه میان ایران و عراق و اعراب و اسرائیل، خود به خود منجر به نوعی ثبات نسبی در منازعات شده و نگرانی‌های چندانی برای اسرائیل به عنوان یک دولت غیربومی به وجود نمی‌آورد. چیزی که در پایان جنگ سرد وضعیت مبهمی را موجب شده بود. محصول مستقیم رقابت بین‌المللی ابرقدرت‌ها در خاورمیانه، نوعی بازدارندگی منطقه‌ای بود که خود به خود سطح و شدت منازعه را از پیش معلوم می‌ساخت.

اما این وضعیت، تا پایان دهه ۱۹۸۰، دچار تغییر و تحول شد و در نتیجه، منطقه با معادلات جدیدی از قدرت و دخالت فرامنطقه‌ای مواجه گردید.

دستیابی به موشک بالستیک در خاورمیانه

گسترش فن‌آوری موشک‌های بالستیک در واقع با شکست آلمان نازی در سال ۱۹۴۵ شروع شد و شوروی و آمریکا با دسترسی به دانشمندان، متخصصان، و کارخانه‌های آلمانی به سادگی به این فن‌آوری دست یافتند. تا دهه ۱۹۶۰ موشک‌های بالستیک وجه مشخصه ابرقدرت‌ها بود، اما کشورهای انگلستان، فرانسه و چین نیز در شمار تولیدکنندگان این نوع جنگ افزار قرار گرفتند و بالاخره این که تا سال ۱۹۹۰ این موضوع ۲۵ کشور را شامل شد.^(۱۵)

پیشینه روی آوردن کشورهای خاورمیانه به موشک‌های بالستیک به دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد. در ابتدا، اسرائیل با خرید موشک‌های میان برد تلاش برای دستیابی به موشک را آغاز کرد و سپس برخی کشورهای عرب در اواخر آن دهه ابتدا موشک‌های فراگ هفت و در اوایل دهه

۱۹۷۰ موشک‌های اسکاد بی با برد ۲۷۰ کیلومتر را از شوروی خریداری کردند. اما در دهه ۱۹۸۰ بود که منطقه شاهد گسترش موشک‌های بالستیک شد. موشک‌های اس اس - ۲۱ چینی از سوی سوریه، و سی اس اس - ۲ چینی با برد ۲۷۰۰ کیلومتر از سوی عربستان خریداری شدند. عرضه‌کنندگان جدید همانند چین و کره شمالی در طی این دهه وارد میدان شدند و نیز برخی کشورهای منطقه شروع به تولید بومی موشک‌های بالستیک کردند. در این بخش، کشورهای خاورمیانه را با توجه به توان تأمین و تولید موشک‌های بالستیک مورد بررسی قرار می‌دهیم.

عراق

دولت عراق به دلایل زیادی به خرید و تولید موشک‌های بالستیک روی آورده است. قبل از هرچیز، باید به جنگ با ایران در دهه ۱۹۸۰ اشاره کرد. موشک‌های دوربردی که توان هدف قرار دادن تهران و سایر شهرهای مهم ایران را داشته باشند از عمده‌ترین انگیزه‌های آن کشور بود. متخصصان نظامی عراق با دستکاری در موشک‌های خریداری شده، برد آنها را تغییر دادند. طبق اظهار نظر کارشناسان رسمی، عراق تا اواخر جنگ توانسته بود با دستکاری در پنج نوع موشک، در واقع، موشک‌های جدیدی را تولید کند. آنها با اصلاح موشک اسکاد ساخت شوروی، برد آن را به پانصد و سی مایل رسانده بودند. عراقی‌ها حتی موشک دیگری که می‌توانست تل آویو را مورد اصابت قرار دهد، ساخته بودند و این امر ناراحتی زیادی در بین اسرائیلی‌ها به وجود آورده بود.

در سال ۱۹۸۹، عراق دست به تولید موشک دیگری به نام العبید زد که برد آن یکهزار و پانصد مایل دریایی بود. چندی بعد، صدام اعلام کرده کارشناسان آن کشور با کمک متخصصان آرژانتینی و مصری موفق به تولید دو نوع موشک بسیار حساس و قوی به نام‌های تموز ۱ و کندور شده‌اند که قدرت تخریب بیشتری دارند. (۱۶)

بغداد تصور می‌کرد که بایستی انحصار فن آوری موشک را از غرب بگیرد، و خود را رهبر کشورهای عرب در دستیابی به فن آوری موشک می‌دانست. در اولین نمایشگاه بین‌المللی بغداد در زمینه صنایع نظامی عراق در ماه‌های آوریل و مه ۱۹۸۹، این کشور برای اولین بار مدل‌های موشک الحسین و العباس را به نمایش گذاشت. مطابق گفته سایمون هندرسون، تحلیل‌های به عمل آمده توسط مؤسسات اطلاعاتی خارجی از تصاویر موشک‌های عراقی در نمایشگاه بغداد

نشان می‌دهد که یک موشک، نوع اصلاح نشده اسکاد بی، و دیگری گونه اصلاح شده آن بود.^(۱۷) به هر حال، تا پیش از بحران کویت، عراق موفقیت‌هایی در زمینه اصلاح موشک بالستیک کسب کرده بود، اما پس از شکست آن کشور از نیروهای متحدین، قطعنامه‌های شورای امنیت خواستار خلع سلاح بغداد در زمینه سلاح‌های انهدام جمعی و موشک‌های بالستیک شدند و نمایندگان سازمان ملل در آن کشور به انهدام این جنگ افزارها مبادرت کردند.

عربستان سعودی

زرادخانه موشکی عربستان، علی‌رغم این که با مسأله فقدان یک صنعت موشکی بومی رو به روست، اما یکی از مهمترین زرادخانه‌های دنیای عرب به شمار می‌رود. خرید تقریباً ۵۰ فروند موشک بالستیک هسته‌ای سی اس اس - ۲ از چین، موضوع تکثیر تسلیحات موشکی را مورد توجه جامعه بین‌الملل قرار داد. این موشک‌ها، عربستان را در تهدید عراق، ایران و اسرائیل توانا ساخته است. با وجود این که موشک‌های عربستان سعودی، با برد بیش از ۲۷۰۰ کیلومتر می‌تواند از تهدید کننده ترین موضوعات به شمار آید، اعتقاد بر این است که عربستان این موشک‌ها را برای مقاصد بازدارندگی خریده است. به دنبال گزارش این خرید، سعودی‌ها در این خصوص با آمریکا مذاکراتی انجام دادند و با برد ۱۹۰۰ کیلومتر در مقابل امضاء و تصویب معاهده عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای موافقت شد.^(۱۸)

مصر

دولت مصر دارای قدیمی ترین شالوده تحقیقات موشکی در منطقه است. تا اواسط دهه ۱۹۶۰، برنامه‌های اولیه تحقیقات موشکی این کشور به لحاظ فشارهای سیاسی و حملات اسرائیل و نیز سوء مدیریت خاتمه یافت. مصر همچنین دارای پیشرفته‌ترین بنیان صنعتی در جهان عرب است. این کشور ابتدا موشک‌های فراگ و اسکاد را از شوروی خرید و سپس در برنامه‌های توسعه به منظور اصلاح یا جایگزینی این جنگ افزارها شرکت کرد. دولت مصر به کمک فرانسه موشک ساکر - ۸۰ (SAKR-80) را برای جایگزینی موشک‌های فراگ - ۷ تولید و همراه با عراق، در برنامه موشک کندور که به ابتکار آرژانتین در اواسط دهه ۱۹۸۰ شروع شد، شرکت کرده است. این برنامه، که از فن آوری قاچاق آلمان غربی و ایتالیا استفاده می‌کرد، تلاش می‌نمود تا یک نوع موشک بالستیک با برد بیش از ۹۰۰ کیلومتر تولید کند.

مصر همچنین با کره شمالی در مورد یک گونه اصلاح شده اسکاد بی همکاری کرده است.

این گونه بومی، اندکی برد موشک را افزایش داده است. آخرین گزارش‌ها، از آن حکایت دارد که همکاری‌های فنی قاهره و پیونگ یانگ ادامه یافته است و از وجود یک شالوده فن آوری موشک اسکاد در مصر خبر می‌دهد. (۱۹)

سوریه

زرادخانه سوریه موشک‌های بالستیک فراگ - ۷، اس اس - ۲۱، و اسکادبی شوروی را در برمی‌گیرد. تلاش این کشور برای خریداری اس اس - ۲۳ شوروی در سال ۱۹۸۷ ناموفق بود. در نوامبر ۱۹۸۹، ایالات متحده اظهار نگرانی کرد که چین احتمالاً در نظر دارد موشک‌های ام - ۹ میان برد خود و یا فن آوری ساخت این موشک‌ها را به کشورهای خاورمیانه بفروشد. گزارش‌های بعدی در پایان سال ۱۹۸۹، حاکی از این بود که چین سرگرم مذاکره با دولت سوریه پیرامون فروش موشک‌های ام - ۹ به این کشور است. دولت چین این گونه اظهارات را بی‌پایه و اساس خواند. (۲۰)

به دنبال جنگ خلیج فارس اظهارات جدیدی پیرامون فروش موشک‌های ام - ۹ به سوریه مطرح شد. سوریه نیز اقدام به خرید اسکادهای اصلاح شده کره شمالی کرد و گفته می‌شود که اینک در حال برنامه‌ریزی یک معامله تسلیحاتی بزرگ با روسیه است که شاید تسلیحات موشکی را نیز در برداشته باشد.

رژیم اشغالگر قدس

تأمین و تولید فن آوری موشک بالستیک دقیقاً با آموزه و سیاست نظامی رژیم اشغالگر قدس در ارتباط بوده است. نیروهای نظامی این کشور همواره در صدد برتری تسلیحاتی بر کشورهای همجوار بوده‌اند و فن آوری تسلیحاتی عنصر عمده‌ای در توسعه قابلیت بازدارندگی اسرائیل بوده است. در سال ۱۹۵۰ بین گوریون نخست وزیر وقت اعلام کرد که شرط بقای اسرائیل قابلیت «انتقام گسترده» در مقابل همسایگان است. از این رو فن آوری موشک‌های بالستیک عاملی مهم در این استراتژی بازدارنده تلقی می‌شد.

رژیم اشغالگر قدس سالهاست که در زمینه تحقیق و توسعه فن آوری موشک بالستیک و نیز تولید، آزمایش و استقرار این سیستم‌ها فعال بوده است. از سال ۱۹۵۵ تا سال ۱۹۶۷ همکاری با فرانسه و به ویژه شرکت مارسل داسالت، منجر به توسعه فن آوری لازم برای تولید موتور موشک شد. در سال ۱۹۶۷، موشک‌های تاکتیکی (سیستم‌های هوا به هوای شفرود و

موشک ضد کشتی گابریل) آزمایش شدند.

بعداً به کمک فرانسوی‌ها موشک اریحا - ۱ را که شبیه موشک‌های ام.دی - ۶۰۰ بود ساختند، و از سال ۱۹۷۳ آن را به کار گرفتند. از اواسط دهه ۱۹۷۰، طراحی موشک اریحا - ۲ را آغاز و از سال ۱۹۸۶ به آزمایش پرواز آن پرداختند. موشک اریحا - ۲ بردی در حدود ۱۵۰۰ کیلومتر دارد. موشک اریحا - ۲، دو مرحله‌ای با سوخت جامد، و شبیه راکت شاییت است که برای قرار دادن ماهواره در یک مدار پایین در سال ۱۹۸۸ مورد استفاده اسرائیل قرار گرفته است. (۲۱)

رژیم اشغالگر قدس به نسبت سایر کشورهای منطقه، زرادخانه موشکی و قابلیت تولید به مراتب پیچیده تری دارد. این رژیم از شرکت‌های آمریکایی و از جمله شرکت لارنس برای برنامه‌های موشکی خود کمک گرفته است. (۲۲) رژیم اشغالگر قدس دو طرح موشکی ضد هوایی باراک و آرو را نیز به دنبال می‌کند. هر دو طرح با کمک مستقیم آمریکا و به عنوان طرح مشترک دنبال شده‌اند. طرح باراک از اوایل دهه ۱۹۸۰ شروع شده است. این موشک، سبک و کوچک است و با برد ۱۲ کیلومتر علیه هواپیماها و با برد ۵ کیلومتر علیه موشک‌های ضد کشتی قابل استفاده است. ساخت موشک دیگر، یعنی آرو، در واقع برای تهدید اسکادبی، الحسین و العباس عراق و سی اس اس - ۲ در عربستان سعودی، در سال ۱۹۸۸ آغاز شد.

تهدید و به کارگیری موشک‌های بالستیک در جنگ‌های خاورمیانه

آن گونه که آرون کارپ می‌نویسد، از سال ۱۹۷۳ تا کنون، نه بار از موشک بالستیک استفاده شده است که به جز دو مورد، سایر موارد در منطقه خاورمیانه بوده است. (۲۳) نخستین بار که در منطقه خاورمیانه از موشک بالستیک استفاده شد، در جنگ‌های اعراب و اسرائیل (۱۹۷۳) بود. طی این جنگ، ابتدا رژیم اشغالگر قدس از موشک‌های اریحا - ۱ علیه مواضع کشورهای همسایه استفاده کرد. در مقابل، دولت سوریه نیز با موشک‌های فراگ ۷ شهرک‌ها و مواضع اسرائیل را مورد تهاجم قرار داد. همچنین موشک‌های اسکاد بی نیز از سوی دولت مصر علیه مواضع رژیم صهیونیستی به کار گرفته شدند. (۲۴) هر چند که این حملات از اهمیت خاصی برخوردار بود، اما در این زمان هنوز سایر سلاح‌ها و ابعاد جنگ، موضوع موشک‌ها را تحت الشعاع خود قرار داده بودند.

طی جنگ ایران و عراق نیز از موشک استفاده شد. طی یک مرحله از جنگ که به «جنگ

شهرها» موسوم شد، حدود ۵۰۰ فروند موشک از سوی دو طرف علیه مراکز مختلف شلیک شد. این حملات موجب آوارگی، مهاجرت و تعطیل بسیاری از شهرهای دو کشور شد و تأثیر زیادی بر اراده برای خاتمه جنگ داشت. چرا که برای اولین بار در شهرهای مرکزی جنگ از نزدیک احساس می‌شد.

در جنگ افغانستان نیز به طور گسترده‌ای از موشک بالستیک استفاده شد. دولت کابل در ماه نوامبر ۱۹۸۸ در هفته اول ۱۵ فروند و در هفته بعد ۳۲ فروند از موشک‌های اسکاد شوروی را به سوی مواضع مجاهدین شلیک کرد. هر چند گمان نمی‌رود که این موشک‌ها از نظر نظامی در جنگ‌های داخلی افغانستان دارای اهمیت خاصی بوده باشند، اما کاربرد آنها نقض آشکار موافقتنامه مورخ ۱۴ آوریل ۱۹۸۸ ژنو بود. چرا که طبق آن موافقتنامه، ارایه سلاح‌های نظامی جدید به مجاهدین و دولت کابل ممنوع بود. مسکو مدعی بود که ابتدا مجاهدین با دریافت تسلیحات از طریق پاکستان این موافقتنامه را نقض کرده‌اند. رییس سازمان سیا در سوم نوامبر ۱۹۹۰ اظهار داشت که: «از اوایل سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۰ بالغ بر یک هزار موشک اسکاد بی علیه مجاهدان افغان آتش شده است».^(۲۵)

در سال ۱۹۸۶ از سوی لیبی یک فروند موشک اسکاد بی به جزیره لپیدوسا واقع در سیسیل شلیک شد که به تأسیسات و فرودگاه نظامی آمریکا اصابت کرد. این حمله، در واکنش به عملیات نظامی آمریکا علیه لیبی صورت گرفت.^(۲۶)

جنگ‌جالی‌ترین مورد به کارگیری موشک‌های بالستیک در عرصه استراتژیک خاورمیانه مربوط به بحران خلیج فارس است. در سال ۱۹۹۱، دولت عراق با استفاده از موشک‌های با برد ۶۳۰ کیلومتر، عربستان و اسرائیل را نشانه گرفت. طی این حملات، عراق در مجموع ۸۱ فروند موشک به سوی عربستان و اسرائیل شلیک کرد، که ۴۲ فروند به عربستان و ۳۹ فروند به اسرائیل اصابت کرد. همه این موشک‌ها با کلاهک‌های متعارف تجهیز شده بودند.^(۲۷) آخرین مورد کاربرد موشک بالستیک در خاورمیانه، در جنگ داخلی یمن (بین دولت یمن شمالی و یمن جنوبی) بود که تعدادی از موشک‌های اسکاد بی شوروی از سوی یمن جنوبی علیه شهر صنعا در شمال در نوامبر ۱۹۹۴ پرتاب شد.^(۲۸)

به کارگیری موشک‌های اسکاد در ابتدای جنگ تقریباً تنها راهی بود که عراق می‌توانست به نیروهای متحدین ضربه بزند، چرا که هواپیماهایی که برای انجام مأموریت به عرصه نبرد

اعزام شدند (که شاید هم به منظور آزمایش کارایی جنگنده‌های متحدین بود) بیشترشان بدون این که بتوانند هیچ گونه عملی انجام دهند بلافاصله ساقط شدند. به هر حال، صدام تنها چاره را استفاده از موشک‌های بالستیک دید. اما با به کارگیری سیستم‌های ضد موشک پاتریوت، کارایی این جنگ افزار نیز تقریباً با مشکل مواجه شد، چراکه آمریکا ۶۰ سیستم پاتریوت را در ریاض و ظهران مستقر کرد. این سیستم‌ها از کارایی زیادی برخوردار بوده و تقریباً اکثر موشک‌های اسکاد را خنثی نمودند. مهمترین حمله موشکی عراق که خسارات و ویرانی‌های فراوانی را به بار آورد، در ۲۶ فوریه ۱۹۹۱، یعنی یک روز پیش از آتش بس بود که توانست از سد پاتریوت‌ها گذشته و به یک مرکز تجمع نیروهای ارتش آمریکا در ظهران اصابت کند. در اسرائیل نیز ۱۲ واحد پاتریوت مستقر گردید. ششصد سرباز امریکایی خدمات مربوط به کاربرد و نگهداری این واحدها را بر عهده داشتند و تا پایان جنگ در اسرائیل ماندند. کشور هلند نیز چند سیستم پاتریوت را وارد اسرائیل کرد. البته بسیاری از موشک‌هایی که به سوی اسرائیل شلیک شدند چندان از دقت کافی برخوردار نبودند.^(۲۹) غربی‌ها تلاش فراوانی کردند تا اسرائیل را وادار سازند که علیه عراق دست به اقدامی نزنند. البته شاید صدام مایل بود که موشک‌ها را با کلاهک‌های شیمیایی کند، اما چنین اقدامی، ممکن بود که واکنش هسته‌ای اسرائیل را علیه بغداد یا تکریت به دنبال آورد. عراق آن گونه که بعداً پذیرفت، حداقل ۳۰ کلاهک شیمیایی داشت. واقعیت آن است که اگر صدام مطمئن نبود که خود و رژیمش در معرض نابودی قرار می‌گیرند به احتمال بسیار زیاد از این کلاهک‌ها استفاده می‌کرد.^(۳۰) بعد از نخستین پرتاب اسکادها به اسرائیل، آمریکا تلاش گسترده‌ای به عمل آورد تا موشک‌ها و مراکز پرتاب آنها را نابود کردند. این عمل موجب شد تا موضع بازها یعنی افراطیون و طرفداران مقابله به مثل در اسرائیل تضعیف شود. علی‌رغم تلاش‌های فراوان، آمریکایی‌ها نتوانستند تمام پرتاب‌کننده‌ها و موشک‌های بالستیک عراق را نابود کنند و این به معنای آن بود که آمریکا نمی‌تواند کاملاً مانع از انجام حملات موشکی عراق شود.

به هر حال این موشک‌ها افکار جهانیان را آن چنان به خود مشغول داشتند که تاکنون در هیچ جنگی این چنین به موشک‌های بالستیک توجه نشده بود. اما چیزی که باعث نگرانی عمده‌ای برای آمریکایی‌ها شده تهدیداتی است که روزی ممکن است عملی شود. معمر قذافی رهبر لیبی بارها اعلام کرده است که اگر موشک‌های بالستیک در اختیار داشت، حتماً از آنها علیه آمریکا استفاده می‌کرد. او در سال ۱۹۸۶ صراحتاً بیان داشت که «اگر موشک‌هایی در اختیار داشتم که می‌توانست به نیویورک برسد، در اولین فرصت آنها را شلیک می‌کردم...»^(۳۱)، هر چند

که تا عملی شدن چنین تهدیداتی زمان زیادی فاصله هست، اما آمریکایی‌ها آن را دست کم نمی‌گیرند.

صدام حسین نیز در سال ۱۹۹۰ به یکی از گزارشگران گفته بود که «موشک‌های ما نمی‌توانند به واشنگتن برسند، اما اگر چنین عملی ممکن بود، ما فوراً چنین کاری را می‌کردیم.»^(۳۲) همچنین ابوعباس رهبر جبهه آزادیبخش فلسطین خطاب به آمریکایی‌ها گفته است که «اگر فرزندان ما نتوانند انتقام بگیرند، نوه‌های ما چهل سال دیگر یعنی روزی که ما به موشک‌هایی دست پیدا می‌کنیم که تا نیویورک برد دارند» شما را خواهند کشت.^(۳۳)

به هر حال، اگر چه در موارد فوق، استفاده از موشک‌های بالستیک از کارایی چندانی برخوردار نبود و نتوانست خسارات زیادی به بار آورده و یا ضربه‌های نظامی عمده‌ای به کشورهای هدف محسوب شود، اما این جنگ‌افزارها مسایل نظامی استراتژیک عمده‌ای را برای منطقه ایجاد کرده‌اند که در بخش بعدی به آن می‌پردازیم.

پیامدهای استراتژیک برای منطقه

گسترش موشک‌های بالستیک به خاطر ویژگی‌های آن از قبیل سرعت، دقت، آسیب ناپذیری دفاعی، قابلیت عمل کلاهک‌های کشتار جمعی، و نفوذ آسان به درون مرزها و ... پیامدهای امنیتی و استراتژیکی خاصی برای منطقه خاورمیانه داشته است. در اینجا به عمده‌ترین آن پیامدها اشاره خواهیم کرد.

شاید مهمترین پیامد استراتژیکی گسترش موشک‌های بالستیک در منطقه، ایجاد و یا افزایش تعامل (interaction) میان دو منطقه فرعی خاورمیانه، یعنی بخش عرب - اسرائیل (جبهه فلسطین) و بخش خلیج فارس است. در چند دهه گذشته، هر یک از این دو بخش از تحولات همدیگر نسبتاً ایمن و جدا بوده‌اند، اما گسترش موشک‌های بالستیک در منطقه و قدرت پرتاب آنها از یک منطقه فرعی به منطقه فرعی دیگر، وضع سابق را دگرگون ساخته است.^(۳۴)

همچنان که گفته شد، در سال ۱۹۹۱، دولت عراق به مدت شش هفته، تعداد ۳۹ موشک بالستیک را به سوی مراکز صنعتی و جمعیتی اسرائیل پرتاب کرد. هدف بغداد آن بود که به نحوی اسرائیل را در بحران خلیج فارس درگیر کند و از احساسات اعراب و مسلمانان و مطرح کردن مسأله فلسطین بهره برداری کند. این اولین موردی بود که دو بخش خاورمیانه در یک

تعامل استراتژیک جدی قرار می‌گرفتند. البته آمریکایی‌ها با زحمت زیاد توانستند دولت اسرائیل را از واکنش - و بالطبع ژرف‌تر شدن بحران - باز دارند. این تعامل استراتژیک فزاینده میان بخش‌های مختلف خاورمیانه، بالطبع نتایج عمده‌ای برای کنترل تسلیحات در منطقه دارد چرا که هر طرحی در مورد محدود ساختن ساختار نیروها و میزان تسلیحات لزوماً بایستی هر دو بخش را در برگیرد. در غیر این صورت نه با استقبال کشورها رو به رو می‌شود و نه ثمر بخش خواهد بود؛ مطلبی که به ویژه در مورد امضای پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای از اهمیت خاصی برخوردار است.

موضوع دیگری که مرتبط با این وضع است، نگرانی‌های فزاینده آمریکا و اسرائیل از قدرت منطقه‌ای ایران و عراق است.^(۳۵) تا قبل از دهه ۱۹۸۰، تهدیدات امنیتی اسرائیل عمدتاً از ناحیه مصر و سوریه بود اما در دو دهه اخیر، دولت‌های ایران و عراق به عنوان تهدیدات عمده برای اسرائیل مطرح شده‌اند. در چند دهه پیش، استراتژی اصلی آمریکا در خلیج فارس، ایجاد موازنه منطقه‌ای قدرت با تکیه بر یکی از دو قدرت ایران و یا عراق بود، اما در دهه ۱۹۹۰، این استراتژی به یک سیاست مهار دو گانه به منظور بازداشتن هر دو کشور از کسب قدرت بیشتر و دستیابی به جنگ‌افزارهای پیشرفته‌تر تبدیل شد، که این مسأله با موضوع تعامل منطقه‌ای مذکور پیوند می‌یابد. چرا که اهمیت توان نظامی دو کشور اصلی خلیج فارس، نه تنها چون دهه‌های پیشین باعث نگرانی در مورد خلیج فارس شده، بلکه تهدید اسرائیل نیز بر آن افزوده شده است. درک این ارتباط، زمانی آسان‌تر می‌شود که حساسیت‌های آمریکا در مورد انتقال فن‌آوری موشکی به ایران و عراق را دریابیم. همچنین، عده‌ای برای تأکید بر این تعامل منطقه‌ای به طرح امنیتی ۶+۲ (پیمان دمشق) در مورد خلیج فارس اشاره می‌کنند. طبق بیانیه‌ای که پس از کنفرانس دمشق در سال ۱۹۹۱ صادر شد، قرار بر این بود که دولت‌های سوریه و مصر به عنوان شرکای امنیت منطقه‌ای نیروهای خود را در قالب یک نیروی «پاسدار صلح عربی» در کشورهای جنوبی خلیج فارس نگه دارند.

همان‌گونه که گفته شد، یکی از ویژگی‌های اصلی موشک بالستیک، خصلت بازدارنده آن است. هنگامی که چینی‌ها به این موشک دست یافتند، هندی‌ها برای ایجاد بازدارندگی، به دنبال آن رفتند و پس از آنها پاکستانی‌ها نیز دست به این کار زدند. در منطقه خاورمیانه نیز اولین کشوری که در صدد تأمین موشک‌های مذکور برآمد رژیم اشغالگر قدس بود. کشورهای سوریه، عراق و مصر نیز برای ایجاد بازدارندگی در صدد دستیابی به آن برآمدند. پس از حملات موشکی

عراق علیه مراکز غیر نظامی ایران، این کشور نیز براساس سیاست «مقابله به مثل» مجبور شد که تمهیدات لازم را به عمل آورد. آقای اکبر هاشمی رفسنجانی رییس وقت مجلس شورای اسلامی در این مورد اظهار داشت که، «شیوه اصلی مقابله با خطر موشکی عراق، تقویت صنایع موشکی خودی است.»^(۳۶)

به طور طبیعی این بازدارندگی می‌تواند به طرف رقبای برون منطقه‌ای و یا دخالت قدرت‌های بزرگ جهت گیری شود. به ویژه اگر دستیابی به موشک‌های بالستیک با دستیابی به سلاح‌های غیر متعارف همراه باشد، بر ساختار توزیع قدرت منطقه و قدرت‌های خارجی مؤثر هستند. مثلاً برای دولتی چون آمریکا، کار آسانی نیست که به راحتی علیه یک دولت منطقه‌ای که دارای موشک‌های بالستیک مسلح به کلاهک‌های غیر متعارف است و می‌تواند آنها را علیه نیروی مستقر در منطقه پرتاب کند، دست به اقدام بزند.^(۳۷) لذا بر نحوه دخالت قدرت‌های غربی در منطقه مؤثر بوده، و با افزایش استقلال در برابر آنها، دخالت دول غربی را در مسایل منطقه‌ای پیچیده‌تر می‌سازد.

در گزارشی که در سال ۱۹۹۰ برای کنگره آمریکا تهیه شده، آمده است که «نیروهای مسلح آمریکا و متحدین این کشور در آینده با نیروهای نظامی متخاصمی رو به رو خواهند شد که به طور فزاینده‌ای با موشک‌های بالستیک مجهز هستند.» در این گزارش نسبت به افزایش موشک‌های بالستیک در مناطقی که برای آمریکا «حیاتی» تلقی می‌شوند، شدیداً اظهار نگرانی شده است. در آوریل سال ۱۹۸۶، دولت لیبی در پاسخ به حمله هوایی آمریکا، دو موشک اسکاد بی به طرف پایگاه‌های نظامی آمریکا در جنوب اروپا پرتاب کرد. در همان زمان معمر قذافی رهبر لیبی اظهار داشت که اگر موشک‌های لیبی برد کافی داشتند جهت تلافی با کلاهک‌های هسته‌ای به نیویورک حمله می‌کرد. این موضوع نشان دهنده آن است که برای قدرت‌های جهانی، شیوه‌ها و امکانات مربوط به اقدام نظامی در سایر مناطق، نسبت به گذشته متفاوت شده است و در آینده تفاوت بیشتری خواهد داشت.

جنگ افزارهای بالستیک به خاطر قابلیت حمل کلاهک‌های غیر متعارف، نگرانی‌های عمده‌ای را برای دولت‌هایی که در معرض تهدید احتمالی این سلاح‌ها هستند، ایجاد کرده‌اند؛ مطلبی که در سال ۱۹۹۱ اسرائیل را به شدت وحشت‌زده ساخت. دولت عراق قبل از بحران خلیج فارس اسرائیل را تهدید نمود که از کلاهک‌های شیمیایی علیه آن کشور استفاده خواهد کرد. صدام در دوم آوریل ۱۹۹۰ در حضور سران ارتش خود، سخنانی ایراد کرد که از رادیو بغداد

پخش شد. او گفت: «اگر اسرائیل بخواهد علیه عراق دست به اقدامی بزند، با آتش موشک‌های خود نیمی از آن کشور را می‌سوزانیم... آنان که ما را با بمب‌های هسته‌ای تهدید می‌کنند بدانند که ما به وسیله سلاح‌های شیمیایی، آنها را نابود خواهیم کرد.» پس از آن، عراق موشک‌های اسکاد خود را به نزدیک مرز اردن منتقل کرد تا شهرها و مراکز نظامی و صنعتی اسرائیل را در تیررس داشته باشند.

هر یک از موشک‌های عراق که در زمان بحران خلیج فارس (۹۱-۱۹۹۰) به سوی شهرهای اسرائیل پرتاب می‌شد، می‌توانست که به طور بالقوه حامل یک کلاهک شیمیایی باشد. این موضوع به ویژه با توجه به سابقه دولت عراق در استفاده از سلاح شیمیایی در جنگ تحمیلی و نیز علیه مناطق کردنشین شمال آن کشور، جریان عادی زندگی را در اسرائیل گزند نمود، فعالیت‌های اقتصادی را تا حدودی مختل کرد، رفت و آمدهای هوایی و دریایی را متوقف ساخت، و تنها ناوهای هوایی و دریایی ملی اسرائیل فعالیت داشتند. همچنین در طی آن مدت، جریان واردات و صادرات به شدت کاهش یافت و زیان‌های اقتصادی، میلیاردها دلار برآورد شد. بخش عمده‌ای از جمعیت ساکن در منطقه تل‌آویو که بیشتر موشک‌ها به آنجا اصابت نمود، منطقه را به ویژه هنگام شب ترک می‌کردند.^(۳۸)

حملات موشکی، به ویژه از جهت تهدیدات جنگ شیمیایی، تأثیری عمیق بر ساختار و نگرش سیاسی، روانی و اجتماعی کشورها دارد. یکی از اعضای هیأت پزشکی نیروی دفاعی اسرائیل خاطر نشان ساخت که «بدون تردید... حملات موشکی در بلند مدت فشار شدیدی را بر بسیاری از مردم اسرائیل وارد ساخته است... انواع بیماری‌های جسمانی، ناآرامی، بی‌خوابی و دیگر نمودهای اضطراب مشاهده شده است.»^(۳۹) در دوران جنگ، ۲۲ درصد از اتاق‌های بخش فوریت‌های پزشکی پذیرای بیمارانی بود که به حمله روانی شدیدی دچار و یا به طور مستقیم در اثر انفجار موشکی مجروح شده بودند و این پذیرش‌ها پس از هر حمله و یا آژیر به طور چشمگیری افزایش می‌یافت.^(۴۰) حتی، برخی استفاده از موشک‌های پاتریوت را صرفاً برای دستیابی به اهداف سیاسی و روانی دانسته‌اند، چراکه این موشک‌ها در عمل موفقیت زیادی برای جلوگیری از حملات بغداد نداشتند. همچنین، استفاده عراق از این جنگ‌افزارها، مشکلات سیاسی فراوانی را برای متحدین ایجاد کرد چرا که دولت‌های عرب شرکت‌کننده در ائتلاف در موضع حساسی نسبت به مردم خود قرار داشتند و اگر بحران، اندکی بیشتر طول می‌کشید. نتایج آن برای این کشورها ممکن بود که متفاوت باشد.

برای برخی از کشورهای عرب، دستیابی و استقرار موشک‌های بالستیک یک موضوع مربوط به حیثیت ملی، معیار و ملاکی برای ارزش‌های ملی و عربی و نشان‌دهنده بلند پروازی‌های منطقه‌ای است. به طوری که حسین کامل رییس وقت برنامه‌های تکنولوژی نظامی عراق، در نمایشگاه بین‌المللی تسلیحات در بغداد، وجود فن‌آوری موشک در عراق را یک «دستاورد عربی» تلقی کرده بود. این مطلب به ویژه در موج تحسینی که در سراسر جهان عرب به خاطر حمله موشکی عراق به اسرائیل ایجاد شد، کاملاً آشکار بود. (۴۱)

به عنوان یکی دیگر از پیامدها و نتایج گسترش موشک‌های بالستیک در منطقه، برخی به تأثیر آنها در خاتمه جنگ ایران و عراق اشاره کرده‌اند. از این نظر، خاتمه این جنگ در سال ۱۹۸۸، تا حد زیادی به خاطر استفاده از موشک علیه مراکز شهری و صنعتی، که اصطلاحاً «جنگ شهرها» نام گرفته است، بود. چراکه تلفات غیر نظامی و فشارهای ناشی از قطع خدمات اجتماعی و شهری در پایتخت‌ها، باعث افزایش فشارهای سیاسی و روانی بر دولت‌ها است تا به راه‌هایی برای پایان دادن به جنگ فکر کنند.

سرانجام بایستی به ابعاد جهانی و فرامنطقه‌ای این جنگ‌افزارها اشاره کرد. سیاست دولت آمریکا در مورد عراق پس از بحران خلیج فارس در قالب قطعنامه‌های شورای امنیت که منجر به نابودی توان نظامی آن کشور و به ویژه موشک‌های بالستیک بغداد شد و نیز اعمال فشار علیه ایران از جلوه‌های این موضوع هستند. مطلب فوق تا آنجا اهمیت دارد که ساموئل هانتینگتون استاد دانشگاه هاروارد در مقاله‌ای با عنوان «ارتباط تمدن‌های اسلامی - کنفوسیوسی»، در سال ۱۹۹۳ می‌نویسد که «در برخورد‌های تمدن آینده، تمدن اسلامی و کنفوسیوسی ضمن افزایش ارتباط میان خود به رقابت با غرب می‌پردازند. مناقشه غرب و کشورهای اسلامی - کنفوسیوسی بر سلاح‌های هسته‌ای و موشک‌های بالستیک و ... متمرکز است... چین و کره شمالی به کشورهای خاورمیانه یعنی ایران، لیبی، عراق، الجزایر و سوریه برای دستیابی به این سلاح‌ها کمک می‌کنند.» (۴۲) از نظر او یک پیوند فرهنگی و تمدنی با هدف افزایش دسترسی آنها به جنگ‌افزارهای لازم برای مقابله با قدرت نظامی غرب به وجود آمده است.

نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که گفته شد، بدون شک جنگ‌افزارهای مدرن اثر عمده‌ای بر درگیری‌های منطقه‌ای داشته‌اند و آنچه که در مورد خاورمیانه اهمیت دارد آن است که در آینده‌ای

نه چندان دور این منطقه حدود نیم میلیارد جمعیت خواهد داشت. منازعات ارضی، اختلافات قومی، اختلاف بر سر منابع آب - که برای آینده منطقه موضوعی حیاتی است - و بی‌ثباتی‌های اجتماعی و سیاسی ناشی از افزایش جمعیت، احتمال وقوع جنگ را در ذهن همگان به کابوسی وحشتناک مبدل ساخته است. جنگ و یا جنگ‌هایی که در آنها صرفاً به سلاح‌های متعارف گذشته بسنده نخواهد شد، چرا که کشورهای منطقه دارای زرادخانه‌های عظیمی از سلاح‌های خطرناکند و به ویژه اسرائیل زرادخانه عظیمی از جنگ‌افزارهای هسته‌ای و شیمیایی دارد و طبعاً هر درگیری احتمالی پیچیده‌تر و خطرناک‌تر از موارد گذشته آن است. با توجه به پیامدهای احتمالی این درگیری‌ها برای منطقه و جهان و به ویژه تأثیری که بر صدور انرژی دارد، می‌توان رمز تلاش‌های بین‌المللی برای تسریع روند صلح و برداشتن موانع موجود در مسیر آن را تا حد زیادی درک کرد.

اما جدا از اقدامات و میانجی‌گری‌های بین‌المللی، تغییر نگرش طرفین درگیر نیز عنصر عمده‌ای محسوب می‌شود. حملات موشکی عراق علیه اسرائیل، مقامات تل‌آویو را متنبه ساخت که تنها کشورهای خط مقدم منشأ خطر نیستند بلکه کشورهای دوردست را نیز باید به عنوان تهدیداتی جدی تلقی کرد. در واقع، «استراتژی» و «سرزمین» در عصر موشک دچار تحولی مهم شده‌اند. دیگر، سرزمین‌های غزه و اریحا برای امنیت اسرائیل اهمیت گذشته را ندارند. عمق بخشی استراتژیک آن هم بوسیله چندین ده کیلومتر در مقابل جنگ‌افزارهایی که می‌توانند از هزار کیلومتر و یا آن طرف تر شلیک شده و خطرناک‌ترین مواد را به همراه آورند، مفهوم گذشته خود را وانهاده است. اگر جنگی صورت بگیرد نتیجه آن را نه تصرف چند کیلومتر سرزمین بلکه سیل آتشی که از آسمان می‌رسد و همه چیز را نابود می‌سازد، معلوم می‌کند. استراتژی جنگ زمینی به مفهومی ثانوی تبدیل شده و کفایت خود را در دوره موشک تا حدود زیادی از دست داده است. هر چند که تحرک سریع، و اشغال سرزمینی می‌تواند تغییراتی سیاسی در زمان جنگ به دنبال داشته باشد و عده‌ای را و می‌دارد تا بپندارند که سرزمین‌ها هنوز هم بسیار مهم هستند. اما واقعیت آن است که با رسمیت یافتن مرزهای بین‌المللی در جهان معاصر و نهادهایی که حتی الامکان حاضرند از تغییر این مرزها جلوگیری کنند، و اراده‌ای که در پشت سر این موضوع برای به کارگیری جنگ‌افزارهای مدرن و موشک‌هایی که دور از صحنه نبرد شلیک می‌شوند (و بدین وسیله وحشت از تلفات نیروهایی بین‌المللی را بسیار اندک می‌نماید) وجود دارد، اشغال سرزمین و تغییرات سیاسی منتج از آن امری پایدار نخواهد بود.

به هر حال، «عمق استراتژیک» در مقابل موشک‌های قاره‌پیما و میان برد و سلاح‌های کشتار جمعی، معنای اولیه خود را از دست داده است و بایستی برای «امنیت» معنا و مفهوم جدیدی جستجو کرد؛ تغییر جهت‌گیری‌های نظامی به اقتصادی و طرح مشارکت منطقه‌ای برای توسعه، مسائلی هستند که باید در این مفهوم جدید از «امنیت» و به عنوان پیامدهای «استراتژیک» جنگ‌افزارهای مدرن و ترس و وحشت ناشی از کاربرد احتمالی‌شان در نبردهای آینده، آنها را مورد دقت و امعان نظر قرار داد.

یادداشت‌ها

- ۱ - حسین سیف زاده، *نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل*، (تهران: نشر سفیر، ۱۳۶۸)، ص ۱۱۲.
- ۲ - «موشک‌های بالستیک جهان سوم»، دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، *پولتن ماهانه دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۱۴، ص ۶۰.
- 3 - Aaron Karp, "The Demise of the Middle East Arms Race", *The Washington Quarterly*, (Autumn 1995), pp. 43-44.
- 4 - D. Robertson, *A Dictionary of Modern Defence and Strategy*, (London: E. P.L, 1987), p. 34.
- 5 - John R. Harvay, "Regional Ballistic Missiles and Advanced Strike Air Craft", *International Security*, (Fall 1992), p.44.
- 6 - *Ibid*.
- ۷ - کریم مظاهری، «سلاح‌های استراتژیک و قوای موشکی در خاورمیانه»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال نهم، (زمستان ۱۳۷۴)، ص ۱۸۱۶.
- 8 - Shahram Chubin, "Iran's Security and Defence Policies: Options and Choices", *Middle East Monitor*, (May 1992), No.2, p.13.
- 9 - *Ibid*, p.14.
- 10 - Aaron Karp, "Ballistic Missiels in the Middle East," *Contemporary Security Policy*, 16, no.1 , (April 1995), P.116.
- ۱۱ - اندرومال، «تثش موشک‌های بالستیک در جهان سوم» ترجمه امیر فرامرزیان، *دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها* (پولتن ماهانه دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی)، شماره ۵۸، ص ۹۳.
- 12 - Bruno Coppieters (ed), *Contested Borders in the Caucasus*, (Brussels: VUB Press, 1996), p.193.
- ۱۳ - در این مورد رک: نداف صفران، «ابهاد مسأله خاورمیانه، قبل و بعد از جنگ خلیج فارس»، ترجمه لیل سازگار، *مآئنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۷۶-۷۵، ص ۴۴.
- ۱۴ - برای مطالعه بیشتر در مورد ادعاها و لشکرکشی‌های عراق به کویت، ر.ک:

- رولان ژاکار، *اسرار جنگ خلیج فارس*، ترجمه عباس آگاهی، (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰) ص ۹-۱۱.
- ۱۵ - مظاهری، پیشین، ص ۱۸۱۶.
- 16 - Gesoffery Kemp, *The Control of Middle East Arms Race*, (Carnegie Endowment, 1991), pp-77-79.
- 17 - William Potter and Harland Jencks, *The International Missile Bazaar*, (Boulder: Westview Press, 1994) , pp. 185-86.
- 18 - Kemp, *op.cit.*, pp.78-9.
- 19 - *Ibid.*
- 20 - *Ibid.*
- ۲۱ - مظاهری، همان، ص ۱۸۲۴.
- ۲۲ - هربرت ولف، «ساختار صنعت دفاعی در کشورهای در حال توسعه»، ترجمه جهانگیر کرمی، *فصلنامه سیاست دفاعی* شماره ۱۴، (تابستان ۱۳۷۵).
- 23 - Karp *op.cit.*, pp.43-44.
- 24 - Shai Feldman, "Ballistic Missile Proliferation in the Middle East", *Comparative Strategy*, 14, pp. 317-18.
- ۲۵ - جیمز هاگت، «افراگیر شدن موشک‌های بالستیک در جهان سوم»، *بولتن ماهانه دیپلوما و تحلیل‌ها*، شماره ۴۰، ص ۸۱.
- ۲۶ - همان، ص ۵۳.
- 27 - Andrew Terrill, "The Gulf War and Ballistic Missile Proliferation", *Comparative Strategy*, 11, (1992), p. 163.
- 28 - *Ibid.*, p.169.
- 29 - Feldman, *op.cit.*, p.318.
- 30 - Terrill, *op.cit.*, p. 170.
- 31 - Curt Weldon, "Why We Must Act at Once", *Orbis*, 40, (Winter 1996), p. 64.
- 32 - *Ibid.*
- 33 - *Ibid.*, p. 65.
- 34 - Feldman, *op.cit.*, pp. 318-19.
- ۳۵ - برای مطالعه بیشتر، ر.ک:
- Sumner Benson, "Deep-Strike Weapons and Strategic Stability," *Orbis*, (Fall 1996).

۳۶ - اندرومال، همان، ص ۹۴.

37 - Feldman, *op.cit.*, pp.318-19

۳۸ - جerald اشتن برگ، «واکنش اسرائیل در برابر جنگ شیمیایی»، ترجمه سعادت حسینی، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۹، ص ۳-۱۵۲.

۳۹ - همان، ص ۱۵۸.

۴۰ - همان، ص ۱۵۲.

41 - Potter and Jencks, *op.cit.*, p.184.

۴۲ - مجتبی امیری، نظریه برخورد تمدن‌ها: هانتینگتون و منتقدانش، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۴)، ص ۱۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی